

تحریم اقتصادی حربه است یا «مد»؟

صربها هرگز به تحریمهای اقتصادی واقعی نگذاشتند.

نتیجه روشن است: حاکمانی که کشور را به شیوه‌های پلیسی اداره می‌کنند و شرایط اقتصادی مردم کشور بر ایشان اهمیتی ندارد در زمانی که در معرض تهدید یا جنگ قرار می‌گیرند با مانورهای متعدد سیاسی برای منحرف کردن افکار عمومی جهان جو موجود را به نفع خود تغییر می‌دهند، پول خرج می‌کنند و برای بدست آوردن این پول حتی در توسل به کسب و کار مواد مخدر تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

غرور ملی نیز همواره عاملی است برای بی‌اثر ساختن تحریمهای اقتصادی. حتی در کشورهایی که مردمش از رهبران خود نفرت دارند هنگامیکه با تحریم از خارج مواجه می‌شوند غرور ملیشان آنها را به دور همین رهبران گرد می‌آورد و از شدت اثرات تحریم می‌کاهد.

زمانی که هدف از تحریم تغییر رفتار حاکمان و نه تغییر رژیم آنهاست نتایج تحریم متفاوت است: تحریم نظامی چین توانست تا حدودی به رعایت حقوق بشر در این کشور کمک کند، تحریمهای اقتصادی علیه رژیم نژادپرست افریقای جنوبی عاملی موثر در دگرگونیهای

و کره شمالی چهل سال پیش نیز در جنگی خونین درگیر شدند، تجاری که از ایسن جنگ در دست است نشان می‌دهد که کره شمالی هرگز تسلیم تهدید نشده است و امروز نیز حربه تحریم اقتصادی او را به زانو نمی‌آورد.

تحریم‌های بی‌اثر

معدود تحریمهایی که در طول قرن حاضر مؤثر واقع شده‌اند دارای ویژگیهای مشترکی بوده‌اند: الف - تحریمهای بسیار با قدرت علیه حریفی بسیار ضعیف، ب - تحریمهایی که علیه یک متحد اعمال شده و نه دشمن (تحریمهایی که علیه انگلستان و فرانسه برای خروج از سوئز در سال ۱۹۵۶ اعمال شد)، پ - و بالاخره مهمتر از همه تحریمهایی که به حاکمیت، هویت و غرور ملی یک ملت لطمه زده است.

اما هنگامیکه هدف تحریم سرنگونی یک رژیم یا برکناری یک دیکتاتور بوده است تحریم همواره با مقاومت موفقیت آمیز کشور تحریم شده روبرو بوده است. به عنوان مثال کوبای کاسترو ۳۵ سال از تحریم اقتصادی جان سالم بدر برده است، نوریه گاتا زمانی که نیکاراگوئه با هجوم نظامی روبرو نشد اثرات تحریمها را از سرگذراند و بالاخره

در شماره ۴۰ ماهنامه گزارش زیر عنوان «اقتصاد، سیاست و جنگ در جنوب شرقی»، چاپ شد که ترجمه‌ای بود از یک مقاله نشریه انگلیسی اکونومیست. در این مقاله ریشه‌های واقعی بحران شبه جزیره کره که امکان مسلح شدن کره شمالی به سلاحهای اتمی و موشک‌های میان‌برد سطح ظاهر آن است، بررسی شده بود.

مسئله شبه جزیره کره، یک بحران مزمن است که هر از چندگاه شدید می‌شود و اندکی بعد فروکش می‌کند. اما بهر حال این منطقه در جنوب شرقی آسیا از جنگ جهانی دوم به این سو، همواره یک کانون خطر بوده، و هست. در مقاله زیر یک نشریه غربی دیگر این کانون بحران را از زاویه متفاوتی مورد بحث قرار داده و انگیزه‌های کنونی رهبری آمریکا را در مرکزیت قرار دادن مسائل شبه جزیره کره به عنوان یکی از کانون‌های بحرانی، جهان تجزیه و تحلیل کرده است.

حربه اقتصادی و تحریمها فرو می‌برد.

وودرا ویلسون یکی از روسای جمهوری آمریکا در سال ۱۹۱۹ گفته است: «ملتی که تحریم می‌شود در حقیقت ملتی است که در آستانه تسلیم قرار دارد. با این ملت باید با آرامش، مسالمت، چاره‌جویی و بدون نیاز به توسل به زور رفتار کرد، چرا که در غیر اینصورت این ملت برای رهائی از تسلیم و تحریم ممکن است به هر اقدام پیش‌بینی نشده‌ای دست بزند».

کیم ایل سونگ تحریم اقتصادی را به معنی اعلان جنگ تلقی کرده است که چندان هم دور از واقعیت نیست. آمریکا

آیا آمریکا در اعمال تحریمهای اقتصادی علیه کره شمالی دچار سردرگمی است؟ کیم ایل سونگ و پرسش که حاکمان کره شمالی محسوب می‌شوند در قبال تهدیدهای آمریکا برای اعمال تحریم در صورت خودداری کره شمالی از متوقف ساختن برنامه‌های هسته‌ای خود، نه تنها مرعوب نشده‌اند بلکه خشمشان از سیاست‌های تحریم، شبه جزیره کره را به جنگ نزدیکتر کرده است. تحریم اقتصادی شباهت‌های زیادی به مد دارد. یک روز خریدارانی دارد و روز دیگر از چشم‌ها می‌افتد، و این بستگی کامل به گردانندگان کاخ سفید و بخصوص رئیس جمهوری آمریکا دارد. عکس‌العملهای بیل کلینتون در قبال بحرانهایی پس از پایان جنگ سرد هرگز وجهت نداشته و تعجب کسی را نیز برنیا نگذاشته است. او همه چیز را از دریچه چشم اقتصادی و مادی می‌نگرد، غافل از آنکه استفاده نادرست و نابجا از این حربه ممکن است زیانهای بس هولناکتر از جنگ داشته باشد. کلینتون هر انسان را به مثابه یک بورژوازی امریکائی که فقط مصرف می‌کند و در زندگی هیچ هدفی جز اهداف اقتصادی و پولی ندارد محک می‌زند، سایر عواطف و احساسات نهفته در روح دیگران همواره از چشم او پوشیده بوده است و به مجردی که متوجه بروز عواطفی بجز کشش‌های اقتصادی گردد عکس‌العمل نشان می‌دهد که این عکس‌العمل در سطحی وسیعتر و در روابط باکشورها، و چنانچه به مذاقش سازگار نباشد، او را به اندیشه استفاده از



کلینتون و رئیس جمهوری کره جنوبی... کلینتون در سفر خود به شول تحریم کره شمالی را با رهبران کره جنوبی مطرح کرد، اما با مرگ کیم ایل سونگ رهبر کره شمالی قبلاً استفاده از حربه تحریم علیه این کشور به حالت تعلیق درآمده است.

کلینتون هر انسان را یک بورژوازی آمریکائی می داند.

بعدی در این کشور بود.

در مورد کره شمالی چنانچه تحریمها همه زوایای سیاسی، زندگی روزمره مردم و روند تسلیحاتی این کشور را بیوشاند مقاومت در برابر تحریم بسیار شدید خواهد بود و حتی رهبران این کشور را در توسعه تسلیحات، صدور تکنولوژی هسته‌ای و نظامی جری‌تر خواهد کرد. فقدان یک تحرک دیپلماتیک یا دست زدن به یک جنگ چیزی جز کشتار سربازان آمریکائی ببار نخواهد آورد، راه دیگر انتظار کشیدن مرگ کیم ایل سونگ و یا کناره گیری او از قدرت است، با این فرض که پسرش روشهای پدر را ادامه ندهد.

اما هنوز این سوال بی‌پاسخ مانده است: اگر تحریمها بی‌اثرند چرا اعمال می‌شوند؟ آمریکائیها دو دلیل در این زمینه ارائه می‌دهند: ریچارد پاپس استاد دانشگاه هاروارد می‌گوید: «تحریم عاملی است خودبخودی برای مقابله با روح خودکامگی و یاغی‌گری، یک خودکامه هنگامیکه احساس کند اعمال تجاؤزگانه‌اش با هیچ عکس‌العملی روبرو نمی‌شود و برای اعمال ضد مردمی تنبیهی وجود ندارد خود را در ادامه روشهای مخفی می‌داند و تجدید نظر در اعمالش را ضروری احساس نمی‌کند.» اگر در سال ۱۹۶۸ که تانکهای شوروی وارد چک‌وسلواکی شدند تحریم علیه شوروی بصورتی جدی اعمال می‌شد شاید در ۱۹۷۹ شورویها در تهاجم به افغانستان قدری بیشتر تأمل می‌کردند.

دلیل دوم، هنگامیکه جامعه جهانی علیه اعمال یک کشور توافق دارد و برای مقابله با آن اقدام به ائتلاف می‌کند، مقاومت در برابر تحریم تبدیل این ائتلاف به یک جبهه متحد نظامی و دست زدن به جنگ را توجیه می‌کند. آمریکائیها به دنبال بی‌اعتنائی صدام حسین به تهدید تحریم ناچار شدند با

تجارت جهانی گندم

نوشته: علی حق‌جو

توضیح:

به دلیل کمبود جا درج بخش مربوط به تجارت جهانی گندم در مطلبی که تحت همین عنوان در شماره ۴۰ چاپ شد، مقدور نگردید. در زیر وضعیت جهانی تجارت گندم بررسی شده است.

بازرگانی جهانی گندم بر مبنای میزان مصرف این محصول در پهنه بین‌المللی استوار است. مشخص است که عوامل گوناگونی در مصرف گندم مؤثرند. در حوزه عوامل اقتصادی می‌توان به مؤلفه‌هایی از قبیل درآمد خانوار، قیمت گندم و کنش قیمتی آن در جوامع مختلف، قیمت کالاهای جانشین یا مکمل و کنش متقابل مصرف گندم نسبت به آنها، کنش درآمدی تقاضای گندم، میزان سوپسید مصرفی، میزان عوارض گمرکی، ... اشاره کرد. در عرصه عوامل فرهنگی و اجتماعی مسائلی از نوع ترجیحات مصرف کنندگان، تغییر رفتار مصرفی، اعتقادات اجتماعی و فرهنگی، رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی و...

ایجاد یک جبهه متحد نظامی پانصد هزار سرباز را برای بیرون راندن ارتش عراق از کویت بسیج کنند. اقدام آمریکا و متحدانش در اقدام نظامی در کویت با استقبال جهانیان و یا دست کم غربیها روبرو شد، چراکه آنها از یکسویه نفت منطقه خلیج فارس و قیمت‌های پائین آن نیاز داشتند و از سوی دیگر نمی‌توانستند بر خورده‌ای یک رهبر غیرمستول از سلاحهای امحاء جمعی را تحمل کنند.

امروز سناریوی کابوس مانند توسعه سلاحهای هسته‌ای و بی‌ثباتی منطقه‌ای در آسیا ممکن است به یک جنگ گسترده و هولناک در شبه جزیره کره منجر شود. آمریکا چنانچه نابخردانه و قبل از جلب نظر متحدان خود برای اعمال تحریمهای همه جانبه علیه کره شمالی دست به ماجراجویی و جنگ بزند برای همیشه اعتبار حربه و نظریه تحریم را به خاک سپرده است.

منبع: تابیز - ۱۳ آذر ۹۴
بوگردان: سرویس ترجمه گزارش



شده بالغ بر ۱۷/۵ میلیارد دلار آن به سوی این کشورها سرازیر شده و تنها ۱/۵ میلیارد دلار به جوامع در حال رشد اختصاص یافته است.

بر پایه داده‌های جدول شماره ۲، تعداد کشورهای عمده صادرکننده گندم از ۱۰ کشور فراتر نمی‌رود. در بین کشورهای موجود سه کشور آمریکا، کانادا و فرانسه هر کدام به ترتیب معادل ۳۵/۲، ۲۳/۸ و ۱۹/۷ میلیون تن گندم صادر کرده‌اند که در آسدی برابر ۴/۶، ۳/۹ و ۳/۶ میلیارد دلار بدست آورده‌اند.

در گروه دوم استرالیا (۸/۲ میلیون تن)، آلمان (۵/۷ میلیون تن)، انگلستان (۴ میلیون تن) و آرزاتین (۶/۲ میلیون تن) در مرتبه بعدی قرار دارند این کشورها - با همان ترتیب - درآمدی بالغ بر ۱/۲، ۱/۱، ۰/۸، ۰/۷، ۰/۷ میلیارد دلار از گندم عایدات داشته‌اند. پس از این کشورها ترکیه (۴/۴ میلیون تن)، ایتالیا (۲/۶ میلیون تن) و عربستان سعودی (۲ میلیون تن) قرار دارند که ارزش صادراتی گندم آنها ۰/۴، ۰/۸، ۰/۲ میلیارد دلار می‌باشد. به این ترتیب افزایش حجم تولید گندم نقش مهمی در بازارهای جهانی گندم و دست کم در عرصه مبادلات اقتصادی جوامع در حال توسعه داشته و می‌تواند شرایط مبادله را به سود این کشورها تغییر دهد گرچه فعلاً در ابتدا راه قرار دارند.

۲- واردات گندم

بر پایه آمار منتشره از سوی سازمان فائو واردات گندم طی سالهای اخیر با افزایش روبرو بوده؛ بطوریکه از ۱۰۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۱۲۱ میلیون تن در سال ۱۹۹۲ فزونی یافته که افزایشی معادل ۱۵/۲ درصد داشته است. بطور کلی سهم واردات در سطح قاره‌های جهان مطابق داده‌های مندرج در جدول شماره ۳، با نوسان زیادی روبرو بوده است. در واقع بین صادرات و واردات گندم ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر صادرات کم با واردات زیاد همبستگی دارد.

برای نمونه بیشترین میزان واردات گندم در سال ۱۹۹۲ مربوط به قاره‌های آسیا (۳۷/۱ درصد)، شوروی سابق (۱۷/۲

دخالت دارند. علاوه بر آن می‌توان عوامل طبیعی و اقلیمی، از جمله بارندگیهای فصل درو، هجوم آفات و امراض، محدودیتهای اقلیمی مانند ترسالی، خشکسالی، طوفان، سیل، ... را مورد توجه قرار داد. افزون بر آن، عوامل سیاسی نقش ویژه‌ای در مصرف کالا و بطور کلی تجارت جهانی آن دارد. به تعبیر دیگر، انحصارات غلات یا به تعبیر دیگر غولهای غلات برای کنترل بازار از ابزار قیمت استفاده نموده و به نحو مؤثری در مصرف و بازرگانی خارجی این محصول نفوذ دارند. به هر حال تجارت جهانی گندم در دوشق صادرات و واردات نمود پیدا می‌کند وضعیت عرضه و تقاضای جهانی این محصول را تا حدودی مشخص می‌سازد.

۱- صادرات گندم

بر پایه اطلاعات موجود - مطابق جدول شماره ۱ - در سال ۱۹۹۲ صادرات گندم حدود ۱۲۳ میلیون تن بوده که نسبت به سال ۱۹۹۰ حدود ۱۴ درصد افزایش داشته است مقدار صادرات در سال ۱۹۹۲ معادل ۲۲ درصد کل تولید گندم در همان سال بوده که از نظر ارزش بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار می‌باشد.

توزیع قاره‌ای صادرات گندم - در سال ۱۹۹۲ - نشان می‌دهد که دو قاره آمریکای شمالی و اروپا هر کدام به ترتیب ۴۸/۱ و ۳۳/۶ درصد صادرات جهانی این محصول را در اختیار داشته‌اند. کشورهای تازه استقلال یافته (موسوم به شوروی سابق)، قاره آفریقا و آمریکای جنوبی با سهمی معادل ۰/۲، ۰/۲ و ۵/۱ درصد از صادرات جهانی این محصول را عرضه کرده‌اند. به این ترتیب ارزش صادراتی گندم در قاره‌های آمریکای شمالی و اروپا برابر ۸/۶ و ۷/۵ میلیارد دلار می‌باشد که بیشترین میزان به این دو قاره تعلق داشته است. در یک تقسیم‌بندی دیگر سهم کشورهای توسعه یافته در صادرات جهانی گندم معادل ۸۹ درصد و سهم کشورهای در حال توسعه از ۱۱ درصد فراتر نمی‌رود. به بیان دیگر ارزش صادراتی و درآمدی این محصول عمدتاً به کشورهای پیشرفته صنعتی تعلق گرفته کما اینکه از ۱۰۹ میلیون تن گندم صادر